

گفت‌وگوی استقامت با جلال پور، رئیس اسبق اتاق‌های بازرگانی کرمان و ایران؛ اتاق بازرگانی باید تشکل محور بشود

❖ اتاق‌ها سال‌های متمادی منشا اثر نبودند ❖ بهترین انتخابات بدون دخالت دولت میسر است

❖ محمد لطیف کار



واقعا بخش خصوصی را نمایندگی می‌کنند یا بخش معینی از فعالیت‌های بخش خصوصی را نمایندگی می‌کنند؟ یا بیشتر به کار شرکت‌های خصولتی می‌آیند و نفوذ آن‌ها را در کارها بیشتر می‌کنند؟

از یک طرف می‌توانیم بگوییم با توجه به کمبود تشکل‌ها، خصوصا تشکل‌های قانونمند در نظام جمهوری اسلامی، نماینده بخش خصوصی ما پارلمان بخش خصوصی است زیرا عملا ما تشکل دیگری نداریم و از یک طرف به دلیل ساختار آن باید بگوییم که نه، همه بخش خصوصی را نمایندگی نمی‌کند. من دو پیشنهاد در زمان مسئولیت‌م داشتم که هنوز هم بر آن‌ها تاکید دارم.

یکی این‌که باید در یک روزی اتاق اصناف، اتاق تعاون و اتاق بازرگانی، سه مجموعه‌ای که تعداد زیادی عضو دارند و بخش اصلی اقتصاد ایران را نمایندگی می‌کنند به‌عنوان یک اتاق اقتصاد با سه معاونت تشکیل شود و نهایتا این‌ها زیر یک چتر بیایند و کلا فضای اقتصادی کشور یک نماینده تمام و کمال داشته باشد. این پیشنهاد اول من بود و برای این کار هم یک شورایی از سه اتاق تشکیل دادم و هر هفته جلسه داشت و آقای دکتر نقره‌کار که سال‌ها دبیرکل اتاق بود و سال‌ها هم در مسئولیت استانداری و معاونت وزارت صنعت، معدن و تجارت کار کرده بود و تجربه داشت مسئول این کار شدند و خودم هم جدید داشتم و تا آخرین دوره‌ای که بودم این نتیجه حاصل شده بود، منتها چون دیگر ادامه ندادم، بعد از آن پیگیری چندانی نشد.

کار دومی که عرض می‌کنم، ساختار داخل اتاق است. به نظر من باید به سمتی برود که به جای عضو محور، تشکل‌محور باشد، یعنی باید زیرساخت آن را درست کند. از پایین، تشکل‌های کوچک در شهرستان‌ها و استان‌ها تشکیل شوند و آن‌ها تشکل‌های ملی، فدراسیون‌ها، کنفدراسیون‌ها و نهایتا عضو اتاق ایران تشکل‌های زیرمجموعه باشند نه اعضای حقیقی یا حقوقی. آن زمان می‌توان گفت اتاق ایران شرایط این را پیدا کرده است. تعداد عضویت و چگونگی تشخیص عضویت هم برگردد به جی‌دی‌پی هر استان و هر موضوع کاری، یعنی اگر فرض کنید پسته یک ارزش جی‌دی‌پی کشور را داشته باشد یک نماینده باید داشته باشد، یا اگر پتروشیمی ۱۰ درصد دارد حتما باید ۱۰ نماینده داشته باشد اگر استان کرمان ۳۴ جی‌دی‌پی کشور را دارد باید بین سه تا چهار نماینده داشته باشد و نهایتا هر استان، به عنوان استان عضو اتاق باشد و هر تشکل بزرگ هم به عنوان تشکل نمایندگان خود را معرفی کنند، نماینده انجمن پسته مثلا محسن جلال‌پور است ولی در واقع عضو مجموعه اتاق باید تشکل انجمن پسته باشد، در آن صورت می‌توانیم بگوییم ۱۰۰ درصد جی‌دی‌پی کشور و ۱۰۰ درصد جغرافیای کشور در اتاق حضور دارند و آن وقت نماینده واقعی بخش خصوصی خواهد بود.

نادرستی در فرهنگ کشور بگیریم، مطمئنا افرادی که در این کشور هستند از لحاظ فرهنگی به همان مسیر هدایت می‌شوند. وقتی تصمیمات نادرستی در اقتصاد بگیریم حتما افراد زیرمجموعه و افرادی که در این فضا کار می‌کنند، همان مسیر را می‌روند، ما در روایات داریم که «الناس علی دین ملوکهم» یعنی مردم به همان مسیری می‌روند که کسانی که در کشور حاکمیت دارند و حکومت می‌کنند. بنابراین مجموعه عرض این است که به دلیل انحرافی که در اقتصاد به وجود آمده است، افراد توانمند و خصوصی خالص، نتوانستند به اتاق ورود پیدا کنند و یا نخواستند، و عموما این جریان در اتاق‌های کشور در سال‌های گذشته بیشتر از پیش شده و نهایتا تنها راه این است که در طول چند سال این مسیر را عوض کنیم.

آقای جلال پور، یکی از اتفاقات سال‌های اخیر، برگزاری جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی است. شما این شورا را چه قدر برای حل مشکلات اقتصادی کارآمد می‌دانید؟

این تنها شورایی است که همه قوا در آن حضور دارند. خاطرم هست زمانی که رئیس اتاق بودم سفری به اصفهان داشتم، استاندار وقت اصفهان آقای زرگر بودند، ایشان گفتند شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی آن قدر ظرفیت دارد و آن قدر برای من مهم است که من نه تنها مسائل اقتصادی که مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را هم در استان از طریق این شورا پیگیری می‌کنم، به دلیل این‌که این تنها شورایی است که هم قوه مجریه، هم قوه مقننه، هم قوه قضائیه، هم شهرداری‌های کل کشور و همه دست‌اندرکاران اثرگذار در کشور در این شورا حضور دارند و این بسیار برای ما مغتنم است. من معتقدم که شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی رویکرد خوبی بود، چیزی که ما در سال ۹۰ در اتاق ایران در مجلس، در قانون مستمر فضای کسب و کار و بعدا در سال ۹۴ در دوره مسئولیت خود من، این را در قوانین برنامه ششم، دهمی کردیم، این‌که چقدر در استان‌ها استفاده می‌شود بسته به استاندار وقت، رئیس اتاق و دبیر شورا دارد.

این شورا در استان کرمان موثر بوده و معتقد هستم خیلی از گره‌ها را باز کرده است و باز می‌کند، ولی در برخی استان‌ها حتی ماهی یک‌بار که هیچ، سالی چند بار هم تشکل تشکیل نمی‌شود. مهم این است که باور استاندار وقت یا مسئولین مربوطه در مجلس و قوه قضائیه و مجموعه‌های ذی‌اثر نسبت به شورای گفت‌وگو چقدر باشد، البته اتاق‌ها به این اعتقاد دارند و به دنبال تشکیل آن هستند ولی در بعضی استان‌ها همکاری لازم نمی‌شود و من فکر می‌کنم اگر به درستی از این شورا استفاده شود و به مسیر درستش هدایت شود بسیار می‌تواند اثرگذار باشد.

همیشه وقتی از اتاق بازرگانی صحبت می‌شود، اشاره می‌شود که اتاق بازرگانی، پارلمان بخش خصوصی است، آیا اتاق‌ها،

آیند و بعد که به دیدار آقای نیازف رفته‌م ایشان اعلام کرد بر اساس مطالعه‌ای که داشتم متوجه شدم برای این‌که حرکتی در اقتصاد ایجاد کنیم باید محوریت بخش خصوصی را به رسمیت بشناسیم و اتاق این محوریت را دارد و رو به رئیس اتاق قزاقستان گفت تمام آن‌چه که آقای اوغلو طی این سال‌ها در ترکیه انجام داده را عینا انجام دهید و من هم پشتیبانی خواهم کرد. ایشان می‌گفت قزاقستان هم تا اندازه‌ای که محدودیت نداشت مسیر ما را طی کرد. این دو مثال را عرض کردم برای این‌که متوجه شوید اگر قرار باشد تغییر پارادایم و استراتژی اتفاق بیفتد، تنها می‌توان اتاق را محور قرار داد زیرا با همه وزارتخانه‌ها، صنوف، جغرافیا و بخش‌های مختلف اقتصادی در ارتباط است و می‌تواند منافع کشور و منافع ملی را نشأت گرفته از منابع بخشی، جزئی، موضوعی و جغرافیایی، با یک مدیریت خوب و یک کار علمی و منطقی، به سمع و نظر وزارتخانه‌های مختلف و حاکمیت برساند و آن را در مجموعه کشور با راهنمایی و مشاوره‌ای که با سه قوه دارد، ساری و جاری کند.

آقای جلال پور، شما به انحراف در اقتصاد، اشاره کردید. لطفا در این باره توضیح دهید. همچنین فکر می‌کنید با انتخابات پیش رو می‌توانیم به تغییر پارادایم‌ها هم امیدوار باشیم؟

من مطمئن هستم که اگر یک انتخابات کامل و جامع و بدون غرض و نظر و بدون حضور و دخالت حاکمیت وجود داشته باشد، می‌تواند عده‌ای که در این زمینه شرایط بهتری دارند را به اتاق هدایت کند. اما این‌که آیا بهترین‌ها را هدایت می‌کند، باید عرض کنم خیر. برای این هم دلیل دارم و آن این است که سال‌های متمادی متاسفانه اتاق‌ها منشا اثر نبودند و به همین دلیل افراد اثرگذار، به مرور وقت‌گذاری برای اتاق را کم کردند. چون در این سال‌ها اتاق نتوانسته در کشور و در همه استان‌ها فعالیت جدی داشته باشد، مطمئنا افراد اثرگذار هم چندان رویکردی به اتاق نخواهند داشت. در بعضی استان‌ها مانند کرمان که بالاخره اتاق تأثیر خودش را به تبع فعالیت‌های هیات رئیسه، هیات نمایندگان و مجموعه‌ای که در اتاق هستند بهتر از بقیه استان‌ها داشته، می‌بینیم که رویکرد هم بهتر است و رقابت‌ها هم سنگین‌تر است، حضور هم پررنگ‌تر است و اثرگذاری هم بیشتر است. منتها در بعضی از اتاق‌ها متاسفانه آن قدر کار ضعیف بوده که هیچ ورودی و هیچ استقبالی در انتخابات نشده و حتی آن قدر استقبال نشده که شورای عالی نظارت تصویب کرده به جای این‌که دو برابر افراد منتخب بنا باشد ثبت‌نام کنند، حتی یک نفر بیشتر از افراد منتخب هم ثبت‌نام کنند، انتخابات برگزار شود. یعنی اگر قرار است ۱۵ نفر انتخاب شوند، با حضور ۱۶ نفر که ثبت‌نام کرده باشند، انتخابات برگزار می‌شود. این نشان می‌دهد رویکرد اتاق در بسیاری از استان‌ها آن‌طور نبوده که استقبال به دنبال داشته باشد. ولی اگر اثرگذاری رویکرد اتاق را در چند دوره بیشتر کنیم حتما افراد موثر و توانمند بیشتری می‌آیند و می‌توانند روزبه‌روز بر این اعتلا و جریان تغییر پارادایم بیفزایند.

در مورد مشکلات ناشی از انحراف در اقتصاد هم بفرمایید.

وقتی اقتصاد کشور یک اقتصاد سالمی نیست و اقتصاد رانتی و توزیعی، به جای اقتصاد سالم و رقابتی و تولیدی است، مسلما افرادی هم که در این اقتصاد رشد می‌کنند افراد سالم اقتصادی و با شرایط رقابتی نیستند. اصولا فضای کسب و کار و فضای حاکمیتی است که زیرمجموعه‌ها را می‌سازد. چه در فرهنگ، چه در اقتصاد و چه در اجتماع. وقتی شما تصمیمات

تغییر رویکرد، راهبرد و استراتژی را در اقتصاد مدیریت کرده است و به این نتیجه رسیدیم که اتاق ترکیه چند دهه پیش، این حرکت را انجام داده و بسیار هم موفق بوده است. خوشبختانه رئیس وقت اتاق کسی بود که در آن تغییرات به ما کمک می‌کرد که از تجربه ایشان استفاده کنیم. در این سفر، سه روز در اتاق آنکارا و دو روز در استانبول به سر بردیم به جهت این‌که اتاق‌های صنعت و بازرگانی استانبول بسیار فعال بودند، ملاقات‌های فراوانی داشتیم. آن‌جا رئیس اتاق که آقای اوغلو بود، توضیح داد زمانی که آقای تورگوت اوزال رئیس‌جمهور وقت ترکیه، تصمیم گرفت پارادایم اقتصادی را تغییر بدهد من را به عنوان رئیس اتاق وقت فراخواند و توضیح داد که می‌خواهد اقتصاد را از این مسیر غلط به یک مسیر درست هدایت کند و برای این کار همه‌جور هزینه‌ای را حاضر است انجام دهد. ایشان می‌گفت من به رئیس‌جمهور گفتم اگر محور را بخش خصوصی بگذارید و تمام تصمیمات و سیاست‌ها را با هماهنگی و مشاوره بخش خصوصی جلو ببرید، موفق خواهید بود. ایشان هم تایید کرد و گفت دلیل این‌که من شما را دعوت کردم همین بوده که ما باید در این سطح حرکت کنیم و باید اقتصاد دولتی، رانتی و توزیعی را به اقتصاد بخش خصوصی و اقتصادی با محوریت بخش خصوصی واقعی هدایت کنیم. من گفتم اگر می‌خواهید این را ثابت کنید بهترین کار این است که ساختمان‌هایی که در حال ساخت برای وزارتخانه‌ها در آنکارا دارید را به اتاق بازرگانی بدهید تا اتاق آن‌جا مستقر بشود و نشان بدهید اتاق هم‌تَر از وزارتخانه‌ها است. ایشان می‌گفت آن زمان دولت ترکیه در حال ساخت و ساختمان بلند بیست‌وچند طبقه برای وزارتخانه‌ها بود که این پیشنهاد من را پذیرفتند و این ساختمان‌ها را به قیمت بسیار مناسبی با اقساط طولانی‌مدت به اتاق واگذار کردند و ما مستقر شدیم و کاری که آن‌جا اتفاق افتاد این بود که من در هر ساختمان، چند طبقه را به وزارتخانه‌های در ارتباط با مسائل اقتصادی اختصاص دادم و وزرا زمانی که روزها باید به اتاق‌شان می‌رفتند باید از طبقات پایین که اتاق‌های بازرگانی بود عبور می‌کردند و در نتیجه هر روز در معرض فعالان اقتصادی، هیات رئیسه اتاق و مجموعه کسانی که در ترکیه کار اقتصادی انجام می‌دادند قرار می‌گرفتند و به محض این‌که ما در وزارتخانه‌های مشکلی داشتیم، با یک کلید آسانسور به آن‌جا مراجعه می‌کردیم. سال‌ها دفتر وزرا در طبقات اتاق بازرگانی بود و این نشان داد که دولت قصد این را دارد که بخش خصوصی را حمایت کند و بخش خصوصی را به محوریت قبول کند و گفت که با این همکاری که به وجود آمد ما توانستیم یک حرکت جدی را در اقتصاد ترکیه پایه‌گذاری کنیم و بر اساس آن پارادایم، ترکیه که تا آن زمان یک اقتصاد دولتی بسته گلخانه‌ای داشت به یک اقتصاد جهانی وصل شد و میزان صادرات، تولید و جی‌دی‌پی آن چندین برابر بشود.

چالبتر این‌که ایشان تعریف می‌کرد زمانی که آقای نیازف، بعد از این‌که اتحادیه جماهیر شوروی از هم پاشید رئیس‌جمهور قزاقستان شد، متوجه همین موضوع بود که باید تغییری در پارادایم اقتصادی ایجاد کند و پس از بررسی‌ها به این نتیجه رسیده بود که ترکیه یک چنین حرکتی را انجام داده است. می‌گفت روزی در دفترم بود که رئیس دفتر به من اطلاع داد رئیس‌جمهور قزاقستان با من کار دارد، تعجب کردم، تلفن را برداشتم و متوجه شدم آقای نیازف است و گفت که من به مشاوره شما احتیاج دارم و از من دعوت کرد که چند روزی را به قزاقستان سفر کنم. برنامه‌ریزی کردم و به قزاقستان سفر کردم. زمانی که به آن‌جا رفته‌م افراد وزارتخانه و رئیس اتاق برای استقبال

انتخابات اتاق‌های بازرگانی قرار است بیستم اسفندماه برگزار شود تا نمایندگان بخش خصوصی برای ۴ سال آینده انتخاب شوند.

با توجه به جایگاه اتاق بازرگانی در اقتصاد ایران، و نقشی که به عنوان پارلمان بخش خصوصی بر عهده دارد تا بر تصمیمات اقتصادی و اجرایی کشور، تأثیرگذار باشد، با محسن جلال‌پور، رئیس اسبق اتاق‌های بازرگانی کرمان و ایران در این‌باره صحبت کردم، و دیدگاه‌های او را جویا شدم.

جلال‌پور در سال‌های اخیر اگرچه دیگر حاضر به پذیرش سمت اجرایی در این مهم‌ترین تشکل بخش خصوصی نشد، اما هیچ‌گاه از دغدغه امور این نهاد هم فارغ نبود، و در مقابل، همواره در حوزه مسائل اقتصادی در نقش یک کارشناس، مشاور و فعال رسانه‌ای با جدیت در صحنه اقتصاد ایران و کرمان حاضر بوده است. در این گفت‌وگو به تناسب این ایام، تلاش کردم تا دیدگاه‌های ایشان را پیرامون نقش اتاق، چالش‌های پیش‌رو و اهمیت انتخاب چهره‌های برتر اقتصادی برای مدیریت اتاق بازرگانی، بازتاب دهم. از این رو، به علاقه‌مندان و فعالان حوزه اقتصاد توصیه می‌کنم فرصت مطالعه این گفت‌وگو را از دست ندهند.

آقای جلال پور، در آستانه انتخابات اتاق بازرگانی هستیم، از طرفی وضعیت اقتصاد جامعه ما هم بحرانی است، در این شرایط فکر می‌کنید از یک اتاق بازرگانی مطلوب چه کاری ساخته است؟ آیا واقعا اتاق‌های بازرگانی برای چنین شرایط بحرانی هم طراحی شده‌اند یا نه؟

فکر می‌کنم الان شرایط برای این‌که اتاق کارایی بیشتری داشته باشد بسیار بهتر است. در شرایط مطلوب، فضای کسب و کار مناسب و شرایط عادی، اتاق‌ها عمدتا به امور روزمره تشکل‌ها و زیرمجموعه‌های خود می‌پردازند. امروز به نظر من اتاق وظیفه و رسالت بزرگ‌تری دارد و آن این است که مسیر منحرف‌شده اقتصاد ایران را به مسیر واقعی سوق بدهد و مهم‌ترین کاری که اتاق باید انجام دهد تعیین یک استراتژی تغییر و تعیین یک پارادایم (سرمشق و چارچوب) تغییر و تاکید و جدیت بر آن برای ورود به یک مسیر نو و درست در اقتصاد ایران است. این کار شاید از هیچ وزارتخانه‌ای به تنهایی برنیاید. من همیشه زمانی که در اتاق بودم عرض می‌کردم که وزارت صمت به صنعت، معدن و تجارت می‌پردازد، وزارت کشاورزی به کشاورزی، وزارت اقتصاد به مسائل متعدد و فراوانی که در بورس و مجموعه‌های اقتصادی است، می‌پردازد و همچنین سایر وزارتخانه‌ها. ما در کشور تنها نقطه‌ای که می‌توانیم همه این مجموعه‌ها را رصد کنیم و حالتی را در این جریان کار پیش بیاوریم که یک هماهنگی و هم‌افزایی بین این وزارتخانه‌ها ایجاد شود و تصمیمات در راستای یک منافع مشترک و هم‌افزایی مشترک اتفاق بیفتد، اتاق بازرگانی است.

اعتقاد من این است که اتاق به تنهایی، ترکیب چندین وزارتخانه را دارد که این‌که در کشورهایی که به اتاق اهمیت داده شده است و کشورهایی که وظیفه و رسالت اصلی اتاق را، به‌عنوان مشاور سه قوه پذیرفتند و از این مشاوره استفاده کرده‌اند، مسیرهای خوبی را رفته‌اند. اجازه بدهید یک خاطره را به عنوان مصداقی برای شما بازگو کنم؛ من زمانی که رئیس اتاق (ایران) بودم اولین سفری که برای روسای اتاق‌های کل کشور هماهنگ کردم در آبان‌ماه ۱۳۹۴ بود که به اتفاق ۳۳ رئیس اتاق در یک سفر ۵ روزه به استانبول و آنکارا رفتیم. آن زمان، به همراه مشاور عالی اتاق و معاون بین‌الملل بررسی کردیم که چه اتاقی را انتخاب کنیم که